



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»
دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی انتقادی برهان مفهومی محقق اصفهانی بر وجود خدا

استاد راهنما:

دکتر محمد مهدی گرجیان عربی

استاد مشاور:

دکتر محمد تقی یوسفی

نگارش:

احمد شهبابی فراهانی

تابستان 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت مقدس پیامبر عظیم الشان اسلام که اولین منادی وحدت مسلمین در جهان

بودند؛

به شهدای عزیزی که جان خود را در پی شناخت حق تقدیم نمودند؛

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس به درگاه خدای مهربان و عزیز که نعمت بیان و قلم را به ما ارزانی داشت و تقدیر و تشکر از همه‌ی اولیای الهی که مسیر هدایت را فرا روی حق‌طلبان قرار دادند و نیز با تقدیر و سپاس از تمامی اساتید و بزرگوارانی که در طول تحصیل، افتخار شاگردی آنان را داشتیم. به ویژه اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد مهدی گرجیان و جناب آقای محمدتقی یوسفی که با راهنمایی‌های دلسوزانه، مدبرانه و عالمانه خود، این جانب را در امر تحقیق این رساله یاری نمودند.

چکیده

یکی از سوالاتی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است، راه رسیدن به خداست. متفکران راه‌های مختلفی برای رسیدن به خداوند مطرح کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به راه دل و راه عقل اشاره کرد. در این میان فیلسوفان و حکیمان با تکیه بر روش عقلی و با تأملات و دقت‌های بسیار استدلال‌های متعددی بر اثبات وجود خداوند اقامه کرده‌اند. برخی از استدلال‌های عقلی بر اثبات وجود خداوند عبارت است از برهان صدیقین، برهان وجوب و امکان، برهان وجودی، برهان علیت. هر یک از این براهین ویژگی‌هایی دارد، برای مثال گفته شده است که در برهان صدیقین از راه حقیقت وجود به اثبات وجود خداوند پرداخته شده است، در برهان وجودی از راه تمرکز بر عناوینی که مفهوم خدا را نشان می‌دهند، مصداق داشتن آن در خارج نتیجه گرفته شده است. اندیشمندان مختلفی از غرب و اسلام به این نوع برهان پرداخته‌اند. از میان اندیشمندان غربی می‌توان به آنسلم قدیس اشاره کرد و از میان حکیمان مسلمان محقق اصفهانی تقریری جدید از برهان وجودی ارائه کرده است. برهان وجودی محقق اصفهانی دارای خصوصیات و ویژگی‌های مختلفی است. در این برهان از محال بودن اجتماع نقیضین و تقسیم حیثیات به حیثیت تعلیلی و تقییدی مدد گرفته شده است. محقق اصفهانی ضمن تمرکز بر مفهوم واجب الوجود، تعریف خداوند، و استفاده از برهان خلف، ضرورت ازلی وجود خداوند را اثبات می‌کند. براین برهان اشکالات گوناگونی وارد شده است که یکی از این اشکال نقضی و دیگری اشکال خلط مفهوم و مصداق می‌باشد. با بررسی تمام اشکالات روشن می‌شود برهان وجودی محقق اصفهانی عاری از اشکالات مطرح شده بوده و این برهان راهی مناسب برای اثبات وجود خداوند می‌باشد.

کلید واژگان:

برهان وجودی، محقق اصفهانی، خلط مفهوم و مصداق، یقین، ضرورت ازلی، اثبات خدا

فهرست مطالب

1	فصل اول: کلیات و مفاهیم
2	گفتار اول: کلیات
2	1. بیان مسأله :
3	2. اهمیت و فایده آن :
3	3. سابقه تحقیق:
6	4. اهداف تحقیق :
6	5. سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق
6	5-1. سؤال اصلی
7	5-2. سؤالات فرعی
7	6. فرضیه‌های تحقیق
7	7. پیش فرض ها
7	8. روش انجام تحقیق
7	9. سازماندهی تحقیق
8	گفتار دوم: مفاهیم
8	1. برهان

- 1-1. 1. یقین 10
- 1-2. 2. اقسام برهان 11
- 1-2-1. 1. برهان لمی 11
- 1-2-2. 2. برهان انی 12
- 1-3. 3. شرایط مقدمات برهان 13
- 1-4. 4. کلیاتی راجع به راه های اثبات خدا 17
- 1-4-1. 1. براهین مفهوم محور یا وجودی 20
- 1-4-2. 2. براهین موجود محور یا صدیقین 22
- 1-4-3. 3. براهین مخلوق محور 26
2. حد وسط 28
3. بررسی انتقادی 30
4. زندگی نامه محقق غروی اصفهانی 32

فصل دوم: بررسی برهان وجودی Error! Bookmark not defined.

1. تاریخچه برهان وجودی در فلسفه اسلامی. **Error! Bookmark not defined.**

2. تقریرهای برهان وجودی در فلسفه اسلامی. **Error! Bookmark not defined.**

1-2. 1. تقریر مولی محمد مهدی نراقی **Error! Bookmark not defined....**

2-2. 2. تقریر محقق اصفهانی **Error! Bookmark not defined.....**

گفتار دوم: برهان وجودی در فلسفه غرب Error! Bookmark not defined.

1. تاریخچه برهان وجودی در فلسفه غرب. **Error! Bookmark not defined.**

2. تقریرهای برهان وجودی در فلسفه غرب. **Error! Bookmark not defined.**

1-2. 1. تقریر آنسلم از برهان وجودی **Error! Bookmark not defined.....**

Error! Bookmark not defined. 1-2-1. دو صورت برهان وجودی آنسلم.

Error! Bookmark not defined. ... گفتار سوم: تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی

Error! Bookmark not defined. 1. مبانی تقریر محقق اصفهانی

Error! Bookmark not defined. 1-1-1 ضرورت

Error! Bookmark not defined. 1-1-1. تعریف ضرورت:

Error! Bookmark not defined. 1-1-2. اقسام ضرورت:

Error! Bookmark not defined. ... 1-1-2-1. ضرورت ازلی:

defined.

Error! ... 1-1-2-2. ضرورت ذاتیه (ضرورت مطلقه):

Bookmark not defined.

Error! ... 1-1-2-3. فرق ضرورت ازلیه و ذاتیه:

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. 1-2. رابطه مفهوم و محکی:

Error! Bookmark not defined. 1-3. اقسام حمل:

Error! Bookmark not defined. 1-3-1. تحلیلی و تالیفی:

Error! Bookmark not defined. 2. تقریر برهان مرحوم محقق اصفهانی (ره).

Error! Bookmark not defined. 3. ارکان اصلی برهان محقق اصفهانی

Error! Bookmark not defined. فصل سوم: بررسی انتقادی اشکالات برهان وجودی محقق اصفهانی.

Error! Bookmark not defined. گفتار اول: اشکالات عام برهان محقق اصفهانی

Error! Bookmark not defined. ... 1. اشکالات عام برهان محقق اصفهانی

Error! Bookmark not defined. 1-1. اشکال اول کانت

Error! Bookmark not defined. 1-2. اشکال دوم کانت

Error! Bookmark not defined. گفتار دوم: اشکالات خاص برهان محقق اصفهانی

1. اشکالات خاص برهان محقق اصفهانی. **Error! Bookmark not defined.**

1-1. اشکال نقضی به سبب اثبات شریک الباری. **Error! Bookmark not defined.**

1-2. اشکال مصادره به مطلوب **Error! Bookmark not defined.**

1-3. اشکال شرطیه بودن قضایای اثبات وجود خدا. **Error! Bookmark not defined.**

1-4. اشکال برچگونگی اثبات امتناع واجب الوجود. **Error! Bookmark not defined.**

1-5. اشکال خلط مفهوم و مصداق **Error! Bookmark not defined.**

- چیستی مفهوم: **Error! Bookmark not defined.**

- چیستی مصداق: **Error! Bookmark not defined.**

نتیجه گیری **Error! Bookmark not defined.**

فهرست منابع **Error! Bookmark not defined.**

الف- منابع فارسی: **Error! Bookmark not defined.**

ب- منابع عربی: **Error! Bookmark not defined.**

ج- منابع لاتین **Error! Bookmark not defined.**

د- مقالات **Error! Bookmark not defined.**

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

گفتار اول: کلیات

1. بیان مسأله:

براهین خدانشناسی اقسام مختلفی دارد که یکی از روش‌ها، تقسیم ادله اثبات واجب به حسب طریق است که یکی از آنها از طریق وجود مطلق است که برهان صدیقین ناظر به این روش است و یکی دیگر، از طریق مفهوم است مثل برهان آنسلم، فارابی، محقق اصفهانی نکته اساسی اینجاست که چطور می‌توان از طریق مفهوم و حمل اولی، به خارج و حمل شایع دست پیدا کنیم و خدا را اثبات کنیم.

بزرگانی از فلاسفه مسلمان و غرب در طول تاریخ کوشیده‌اند از این طریق، خداوند را ثابت کنند ولی اکثر آنها دچار خلط بین حمل اولی و شایع صناعی یا خلط مفهوم با مصداق شده‌اند.

بر این اساس اشکالاتی به براهین ارائه شده وارد کرده‌اند که یکی از آن براهین، برهان محقق اصفهانی می‌باشد. مسئله اصلی که در صدد آن هستیم که به آن دست پیدا کنیم این است که چگونه محقق اصفهانی توانسته است با برهانی که اقامه کرده، از این اشکالات رهایی یابد و برهان صحیحی را تبیین کند.

2. اهمیت و فایده آن :

در روش اثبات وجود خدا از راه مفهوم، تنها از طریق یک مفهوم ذهنی مثل واجب الوجود، مفهوم کاملترین و مفهوم بزرگترین، وجود واجب تعالی در خارج اثبات می شود. بدون اینکه به جهان خارج رجوع و از واقعیت های عینی و موجودات طبیعت کمک گرفته شود. بر این اساس برهان مفهومی، یک برهان پیشینی و قبل از تجربه است. در صورتی که بتوان تقریر معتبری از این دست براهین ارائه کرد می توان با سهولت و بدون نیاز به اثبات جهان خارج، وجود خدا را اثبات کرد و این مطلب ضرورت و اهمیت تحقیق در این موضوع را نشان می دهد.

3. سابقه تحقیق:

1. مقاله محمد ابراهیمی راد

یکی از اشخاصی که در این زمینه، مقاله ارائه کرده است آقای محمد ابراهیمی راد است. ایشان در مقاله ای با عنوان برهان مفهومی از دیدگاه آنسلم و محقق اصفهانی، ابتدا تصویری از برهان مفهومی داده است و سپس به تبیین برهان آنسلم پرداخته است و ایرادات وارده بر آن را نقل کرده است. ایشان در ادامه برهان محقق اصفهانی را نقل کرده و از آن دفاع می کند و ایرادات وارده بر آن را جواب می دهد.

ایشان پس از اشاره به برهان آنسلم، به بررسی برهان مفهومی در فلسفه اسلامی می پردازد. که یکی از متقن ترین آنها، برهان محقق اصفهانی می باشد.

خلاصه برهان: ما مفهوم واجب الوجود را در ذهن داریم و این مفهوم از معنای واجب الوجود حکایت می کند. آن معنا و محکی باید در خارج وجود داشته باشد و الا در غیر این صورت از دو صورت خارج نیست: یا به این دلیل است که چون ممتنع الموجود ذاتی است، یا

به این دلیل است که ممکن الوجود ذاتی است و چون علتش در خارج نیست او نیز وجود ندارد و هر دو صورت خلف فرض است

بر این استدلال نیز اشکال وارد شده است:

اشکال: خلط مفهوم با مصداق صورت گرفته است.

پاسخ: بحث محقق اصفهانی در مفهوم واجب الوجود نیست بلکه بحث ایشان در معنای واجب الوجودیت که محکی است و حمل شایع است. برخی از دلیل ها و قرائن بر تمام بودن برهان وجودی محقق اصفهانی وجود دارد که در مقاله آقای ابراهیمی راد به آن اشاره نشده است مانند نحوه استنتاج عدم تحقق نقیضین در عالم خارج از طریق اصل استحاله تناقض.

2. استاد فیاضی

مباحث ایشان تقریر دروس جناب استاد در موسسه امام صادق (ع) می باشد که بصورت جزوه در کتابخانه آن موسسه نگهداری می شود. ایشان در ابتدا تقسیمات مختلف براهین خداشناسی را ذکر می کنند. یکی از آنها تقسیم ادله اثبات واجب بر حسب اختلاف و اتحاد سالک و طریق و غایت است که به چند دسته تقسیم می شود.

در ادامه تقریر برهان آنسلم ارائه می دهند که بصورت نمادین اینگونه است:

خدا: موجودی است که بزرگتر از او قابل تصور نیست

اول: الف: اگر الف وجود خارجی نداشته باشد پس دیگر الف، الف نیست.

ب: لکن الف، الف است بالضروره

نتیجه: پس الف وجود خارجی دارد.

دوم: الف: اگر الف بتواند موجود نباشد، الف، الف نخواهد بود.

ب: لکن الف، الف است بالضروره

نتیجه: پس الف نمی تواند موجود نباشد.

بر این برهان اشکالات متعددی وارد شده است که یکی از آنها این است که با این روش هر رطب و یابسی را می توان اثبات کرد، مثلاً اگر شهری که بزرگتر از آن قابل تصویر نیست در خارج موجود نباشد دیگر آن شهری که بزرگتر از او قابل تصور نیست نخواهد بود. و البته اشکالات دیگری نیز بیان می کنند. ایشان در ادامه تقریر خودشان که مشتمل بر 8 مقدمه می باشد را بیان میکنند و در انتها تقریر ملاحظه را نیز بیان می کنند. و ما در این پژوهش علاوه بر تقریرهای مذکور و ایرادات آنها، تقریر صحیح محقق اصفهانی را نقل می کنیم و به اشکالات وارد شده بر آن پاسخ می گوییم.

پس از چندین سال که از القا این سلسله دروس می گذرد مباحث جدیدی درباره‌ی برهان محقق اصفهانی مطرح گشته است که جای آن در این جزوه خالی است.

یکی از این مباحث که در جزوه جناب استاد به چشم نمی خورد این مسئله است که آیا هرگونه اسناد حکم مفهوم به خارج، خلط مفهوم و مصداق خواهد بود؟ در این صورت چگونه می توان در اصل عدم تناقض از راه مفهوم حکمی را به خارج نسبت داد.

3. آیت الله جوادی آملی

که ابتدا کلام محقق اصفهانی را تبیین می کنند و سپس به نقد آن می پردازند. ایشان ابتدا به مقتضای اصالت وجود و نیز این مطلب که ذات واجب دلیل بر وجود ذاتش است، اشاره می کند و در ادامه می افزاید که مصداق عینی واحد، مفاهیم متعدد از آن انتزاع می شود مانند وجوب و وجود که از موجود عینی واحد، انتزاع می شود.

به نظر ایشان صورت قیاس، قیاس استثنایی است و در آن با بطلان تالی، بطلان مقدم را نتیجه می گیریم و در نتیجه نقیضش که موجود بودن واجب در خارج باشد را نتیجه می گیریم. آیت الله جوادی آملی از قول استادشان علامه طباطبایی، نقدی بر کلام محقق اصفهانی وارد می کنند. و در ادامه خودشان نیز یک اشکال نقضی بر استدلال محقق اصفهانی اقامه می -

کنند به این مضمون می باشد که اگر استدلال تمام باشد لازم می آید که شریک الباری موجود باشد چون اگر معلوم باشد یا بخاطر امتناعش است و این خلاف مقتضای طبعش است چون شریک در طبعش نیز هست و طبع واجب مقتضی وجوب و وجود است. و یا بخاطر این است که محتاج به سبب است و این سبب مفقود است و این نیز منافی با فرض است چون فرض ما این است که آن فرد واجب است پس واجب است نه ممکن. ایشان میان برهان وجودی محقق اصفهانی و استحاله ی تناقض در عالم خارج فرق روشنی بیان نفرمودند.

4. اهداف تحقیق :

در مباحث خداشناسی، بحث براهین اثبات خدا از اهمیت ویژه ای برخوردار است و یکی از روش های مفید و در عین حال ساده، اثبات واجب از راه مفهوم می باشد. در این روش ها بدون رجوع به واقعیت های عینی در عالم خارج، وجود خداوند اثبات می گردد. از آنجا که تقریرات و بیانه های مختلفی از سوی متفکران مسلمان و غرب، از این برهان اقامه شده و اکثر آنها دچار مغالطه می باشد. این پژوهش بر آن است که با تقریری صحیح و تفصیلی و با گریز از مغالطه، وجود واجب تعالی را ثابت کند.

5. سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

5-1. سؤال اصلی

1) تقریر محقق اصفهانی (ره) از برهان مفهومی، چه ویژگی هایی دارد و چگونه ارزیابی

می شود؟

2-5. سوالات فرعی

- 1) راه های اثبات وجود خدا چند دسته می باشد و چگونه می تواند دسته بندی شود؟
- 2) معیار مفهومی نامیدن یک برهان چیست؟
- 3) دیدگاه محقق اصفهانی راجع به برهان وجودی چگونه تقریر می شود؟
- 4) دیدگاه مخالف محقق اصفهانی نسبت به ایشان چیست؟

6. فرضیه های تحقیق

- 1) به صورت فی الجمله می توان از راه مفهوم حکم وجود واقعی را بیان کرد.
- 2) تقریر محقق اصفهانی از راه برهان مفهومی عاری از خلط مفهوم و مصداق است.

7. پیش فرض ها

- 1) قیاس استثنایی، منتج است
- 2) وجود خدا، قابل اثبات از طریق برهان می باشد.

8. روش انجام تحقیق

روش تحقیق، عقلی تحقیقی است.

9. سازماندهی تحقیق

فصل اول، در این فصل کلیات تحقیق شامل طرح تفصیلی و مفاهیم بررسی شده است.
فصل دوم، چستی برهان مفهومی و وجودی و جهان شناختی و تقریر محقق اصفهانی، مورد بررسی قرار گرفته است.
فصل سوم، بررسی انتقادی اشکالات برهان محقق اصفهانی بیان شده است.
در نهایت خلاصه و نتیجه گیری و همچنین فهرست منابع این تحقیق مورد تقریر قرار گرفته است.

گفتار دوم: مفاهیم

1. برهان

برهان در لغت به معنای حجت واضح قطعی است¹ و در اصطلاح مهارتی (صناعتی) در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد.²

اساس بحث برهان در کتاب‌های منطقی از ارسطوست. کتاب منطق ارسطو، ارگانون، شش بخش دارد و آنالوطیقای (تحلیل) دوم، بخش چهارم آن محسوب می‌شود. آنالوطیقای دوم نیز دو بخش دارد و در آنها درباره استدلال برهانی، یعنی قیاسی که مقدمات آن قضایای یقینی است، بحث می‌شود. ارسطو در آنالوطیقای دوم نخست درباره ماهیت علم و شرایط و مقدمات آن و چگونگی ضرورت محمول برای موضوع سخن می‌گوید و خصوصیات «حد» و «تعریف» را که به گفته او به استدلال برهانی بستگی دارد، بررسی می‌کند. سپس از مبادی علوم برهانی یاد می‌کند و اصول موضوعه و متعارفه را روشن می‌سازد و ضمن بر شمردن خطاهای قیاس، تفاوت دانش و پندار را توضیح می‌دهد³

برهان به صورتی جامع در «کتاب البرهان» شفای ابن سینا مطرح شده است. او از شروح

1. فیروزآبادی، محمد، القاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1420ق، تبصره، 113.

2. رک: احد فرامرز قراملکی، منطق 2، تهران، دانشگاه پیام نور، 1385، چاپ دوم، ص 148.

3. رک: ارسطو، النص الكامل، المنطق ارسطو، بیروت، دارالفکر اللبنانی، 1999م.

اسکندر افرویدی و یحیی نحوی و شروح و تعلیقات فارابی بهره جسته است.^۱ پس از ابن سینا نیز همواره برهان، مورد توجه منطقدانان بوده و در آثارشان به بسط و تنقیح آن پرداخته‌اند.

برهان در اصطلاح منطقدانان قیاسی است مرکب از مقدمات یقینی که ذاتا و به ضرورت، نتیجه‌ای یقینی به دست می‌دهد.^۲

برای به دست آوردن درک روشن‌تری از برهان در منطق، لازم است درباره بعضی از واژه‌های کلیدی این تعریف توضیح مختصری بیان شود.

در این تعریف با واژه قیاس، اقسام دیگر استدلال، یعنی استقرا و تمثیل بیرون می‌روند؛ زیرا برای به دست آوردن نتیجه یقینی، باید هم صورت استدلال یقینی باشد و هم ماده آن و صورت هر استدلالی از سه قسم پیشگفته خارج نیست و از بین آنها تنها، قیاس یقین‌آور است و استقرا و تمثیل، هر دو گمان‌آور هستند و اگر هم در مواردی، این دو یقین‌آور باشند، با تحلیل دقیق معلوم می‌شود که بازگشت آنها به قیاسی پنهانی است؛^۳

با تعبیر «مقدمات یقینی»، قیاس‌هایی که از مقدماتی غیریقینی مانند مضمونات، مشهورات، مخیلات و... تشکیل شده‌اند، بیرون می‌شوند. اکنون روشن می‌شود که هرگاه استدلالی با این ویژگی‌ها داشته باشیم، محال است که نتیجه‌ای یقینی از آن به دست نیاید و

1. ر.ک: ابن سینا، الشفاء (البرهان)، تصحیح ابراهیم مدکور، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، 1404، ج 5، مقدمه ابوالعلا عقیفی، ص 3

2. ر.ک: طوسی، خواجه نصیر الدین محمد بن محمد، أساس الاقتباس، به تصحیح سید عبدالله انوار، تهران، نشر مرکز، 1375، چاپ اول، ج 1، ص 274.

3. ر.ک: مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، مکتبه بصیرتی، 1408 ه.ق، چاپ سوم، ص 264.

این نکته را تعبیر «به ضرورت» به ما می فهماند.¹ همچنین با قید ذاتا، استدلال‌هایی مانند قیاس مساوات که مقدمات به تنهایی نتیجه‌بخش نیستند؛ بلکه باید قضیه دیگری از بیرون به آن افزوده شود، از تعریف خارج می‌شوند.²

1-1. یقین

یقین در لغت به معنای جزم است و حالتی روان‌شناختی است که در برابر ظن، شک و وهم قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که یقینی که در تعریف برهان از آن یاد می‌شود نوع خاصی از جزم است و نه هر جزمی؛ بلکه مقصود از آن باور (تصدیق) یک قضیه همراه با کاذب‌دانستن نقیض آن قضیه است؛ به عبارت دیگر جزمی که مشتمل بر دو باور است. اما چنین باوری ممکن است مطابق با واقع باشد یا نباشد و دارنده آن در جهل مرکب باشد؛ از سوی دیگر، جزم به یک قضیه، ممکن است پایدار باشد و آن زمانی است که از راه تحقیق به دست آمده باشد و ممکن است ناپایدار باشد و آن زمانی است که از راه تقلید به دست آمده باشد.

مراد از یقین در باب برهان، از بین همه اقسام جزم، باور جازم مطابق با واقع پایدار است.³

مقدمات یقینی یا نظری هستند یا بدیهی. مقدمات یقینی بدیهی، مبادی برهان نامیده می‌شوند که شش قسم آن عبارتند از: اولیات، فطریات، محسوسات، حدسیات، مجربات،

1. وجه شبه بین اصل و فرع ر.ک: همان، ص 268.

2. ر.ک: عسکری سلیمانی امیری، منطق پیشرفته، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، 1389، چاپ اول، ص 55.

3. ر.ک: همان، ص 58-59.

متواترات.¹

1-2. اقسام برهان

چیزی که در قیاس‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است «حد وسط» است. زیرا حد وسط چنان‌که از نامش پیداست، میان اصغر و اکبر پیوند برقرار می‌کند و از حذف آن نتیجه مورد نظر به دست می‌آید. با توجه به جای‌گاه مقدمات در قیاس برهانی و با توجه به جای‌گاه حد وسط در مقدمات، در قیاس برهانی مهم‌ترین نقش به عهده حد وسط نهاده می‌شود. در حقیقت حد وسط علت برای تحقق و یقین به نتیجه است. بر اساس این‌که علیت حد وسط برای نتیجه از چه وضعیتی برخوردار است، برهان را به دو قسم انی و لمی تقسیم کرده‌اند که به اختصار بیان می‌شود.

1-2-1. برهان لمی

اگر حد وسط هم علت برای ثبوت اکبر برای اصغر باشد و هم واسطه در اثبات، آن را «برهان لمی» می‌نامند. واسطه در ثبوت، یعنی این‌که حد وسط علت وجود اکبر برای اصغر است، با آمدن آن اکبر برای اصغر تحقق پیدا می‌کند. واسطه در اثبات باشد، یعنی موجب شود که ما تصدیق کنیم که اکبر برای اصغر اثبات شده است. وساطت در ثبوت صبغه هستی‌شناختی دارد و وساطت در اثبات صبغه معرفت‌شناختی. به طور کلی هرگاه حد وسط در چنین نقشی ظاهر شود که هم وجود اکبر برای اصغر را اثبات کند و هم موجب تصدیق گردد در این صورت برهان لم/برهان لمی نامیده می‌شود. از باب نمونه وقتی گفته می‌شود:

1. این آهن حرارتش بالا رفته است.

1. ر.ک: فرامرز قراملکی، احد، پیشین، ص 149

2. هر آهنی که حرارتش بالا رود حجم آن افزوده شده است.

3. این آهن حجمش افزوده شده است.

استدلال به وسیله بالا رفتن درجه حرارت بر افزایش حجم، استدلال به علت برای اثبات معلول است. چون حرارت چنانکه موجب حکم به افزایش حجم آهن می شود، در خارج نیز حجم آهن را افزایش می دهد.¹

1-2-2. برهان انی

اگر حد وسط تنها واسطه در اثبات بود و در مقام ثبوت وساطتی نداشت، آنرا «برهان / برهان انی» می نامند. برهان انی خود دو گونه است؛ گاه حد وسط در اصغر خود معلول حد اکبر می باشد. گاه به گونه ای است که حد وسط و اکبر هر دو معلول علت سوم است. قسم نخست را «دلیل» نیز می نامند. برای نمونه اگر گفته شود:

1. این آهن حجمش افزایش یافته است.

2. هر آهنی که حجمش افزایش یافته باشد، درجه حرارتش بالا رفته است.

3. این آهن درجه حرارتش بالا رفته است.

چنانکه ملاحظه می شود در این قیاس از افزایش حجم آهن که معلول است بر بالا رفتن درجه حرارت که علت می باشد استدلال شده است. لذا از علم به معلول علم به علت حاصل شده است. در این صورت حد وسط تنها واسطه در اثبات است، یعنی برای تصدیق به این که درجه حرارت بالا رفته است، از افزایش حجم کمک گرفته شده است، در حالی که در مقام ثبوت و به لحاظ هستی شناختی، حرارت علت افزایش حجم است.

1. جمال الدین حسن بن یوسف علامه حلّی، الجوهر النضید، فی شرح منطق التجرید، چاپ سنگی، ص 171-173.

محمد رضا مظفر، المنطق، (نجف اشرف، مطبعة النعمان، ط 3). ص 353

اما در مواردی که حد وسط و اکبر هر دو معلول علت ثالث باشند، در این صورت از علم به وجود یکی وجود دیگری دانسته می شود. هرگاه یکی از معلولها برای انسان معلوم شود، این واسطه می شود برای این که معلول دیگر نیز معلوم گردد. زیرا دو معلول ملازم یکدیگرند، از علم به یکی از آنها، علم به دیگری حاصل می شود، زیرا از علم به معلول الف، علم به علت پیدا می کنیم، و از علم به علت، معلول ب را تصدیق خواهیم کرد. به همین دلیل این برهان هم ویژگی برهان لمی را دارد و هم خاصیت برهان انی نوع اول، یعنی دلیل را. زیرا وقتی از معلول «الف» به علت علم پیدا می کنیم، در حقیقت برهان انی نوع اول، یعنی دلیل تحقق پیدا می کند، وقتی بار دوم از وجود علت به وجود معلول «ب» علم پیدا می کنیم، تعریف برهان لمی بر آن تطبیق می کند.¹

یک قسم از برهان انی که مفید یقین می باشد استدلال از طریق ملازمات عامه است که از یک ملازم، وجود ملازم دیگر اثبات می شود و در فلسفه نیز تنها همین قم از برهان انی به کار می رود.²

هم چنان که در فصل سوم نیز به آن اشاره خواهد شد، برهان محقق اصفهانی نیز از این قسم برهان انی می باشد و از طریق ملازمات عامه به مطلوب نائل می شود.

1-3. شرایط مقدمات برهان

1. همه مقدمات، یقینی باشند و چنان که گفته شد، اساسا برهان بودن برهان، بسته به این شرط است؛ پس اگر حتی یک مقدمه آن؛ غیر یقینی باشد، آن قیاس دیگر برهانی نخواهد

1. محمد رضا مظفر، المنطق، (نجف اشرف، مطبعه النعمان، ط3)، ص 353؛ محمد خوانساری، منطق صوری، (تهران،

آگاه، 1373، چاپ 7، ص 215-218.

² نهاییه الحکمه، ص 16

بود؛ بلکه با توجه به آن مقدمه غیر یقینی، یا جدلی خواهد بود یا خطابی یا شعری یا مغالطی و همیشه در این که قیاس مصداق کدام یک باشد، تابع پست‌ترین (اخص) مقدمات است؛ بنابراین اگر قیاسی داشته باشیم که یک مقدمه آن یقینی و دیگری مشهور است، قیاس جدلی خواهد بود؛ چون مشهورات، پست‌تر از یقینیات هستند و آنها ماده قیاس‌های جدلی هستند.

2. مقدمات تقدم طبعی بر نتایج داشته باشند؛ زیرا مقدمات به لحاظ خارج، علت‌ها نتایج هستند. (این شرط ویژه برهان لمی است.)

3. مقدمات، پیش عقل، به حسب زمانی، بر نتایج تقدم داشته باشند تا بتوان از آنها برای رسیدن به آن نتایج استفاده کرد. باید توجه داشت که که تقدم در عالم واقع (نفس الامر) که همان تقدم طبعی است که در شرط پیشین گفته شد، با تقدم نسبت به ما و به حسب عقل ما، متفاوت است؛ چرا که گاهی چیزی مانند علت که تقدم طبعی دارد، نسبت به عقل ما تقدم ندارد، به این صورت که ما به معلول، پیش از علت، آگاهی پیدا کرده‌ایم. پس ضرورتاً هر چیزی که طبعاً مقدم باشد، از نظر شناخت عقلی دارای تقدم نیست.¹

4. مقدمات برای ما شناخته‌شده‌تر (اعرف) از نتایج باشند تا بتوانند موجب شناخت نتایج شوند؛ زیرا شناسنده (معرف) باید شناخته‌شده‌تر از چیزی باشد که قرار است به ما بشناساند (معرف). با این شرط قیاس‌هایی که در آن حد وسط و حد اکبر متضایف باشند از دایره مصادیق برهان، خارج می‌شوند. زیرا دو متضایف از نظر معرفت هم رتبه‌اند و از علم به یکی، نمی‌توان به دیگری آگاه شد.²

5. مقدمات، مناسب نتایج باشند. به این معنی که محمول‌های آنها برای موضوع‌هایشان

1. ر.ک: محمدرضا مظفر، پیشین، ص 324.

2. عسکری سلیمانی امیری، وجیه مقدمات برهان، آیین حکمت، پاییز 1388، شماره 1، ص 127-152

ذاتی و اولی باشند؛ در غیر این صورت، محمول‌ها برای موضوع‌هایشان غریب خواهند بود و در چنین حالتی مقدمات برهان، دیگر علت نتیجه نخواهند بود.¹

محمول ذاتی² محمولی است که یک از دو حالت زیر را داشته باشد 1. آن محمول در تعریف موضوع ذکر شود؛ مانند محمول ناطق برای انسان؛ چون در تعریف انسان، از مفهوم ناطق استفاده می‌شود. 2. موضوع یا یکی از مقومات موضوع در تعریف محمول بیان گردد؛ محمول زوج برای عدد؛ چون در تعریف زوج از مفهوم عدد استفاده می‌شود.³

اولی به محمولی گفته می‌شود که حمل آن بر موضوعی یا نیازمند استدلال نیست یا اگر هم نیازمند استدلال است، حد وسط در آن استدلال با موضوع نتیجه نسبت تساوی دارد؛ لذا اگر حد وسط، اعم یا اخص از موضوع نتیجه باشد، آن محمول. بنابراین حمل ناطق بر انسان اولی است، حمل خندان بر انسان اولی است؛ واسطه اثبات خندان برای انسان تعجب‌کننده است. که بین آن و انسان، نسبت تساوی برقرار است؛ اما حمل حساس (دارای حواس پنجگانه) بر انسان اولی نیست زیرا واسطه اثبات آن، حیوان است که اعم از انسان است. همچنین حمل خندان بر حساس اولی نیست؛ زیرا واسطه اثبات آن، انسان است که اخص از حساس است.⁴

6. مقدمات ضروری باشند؛ ضرورت ذاتی یا وصفی. باید توجه داشت که مقصود از ضروری در اینجا همان معنای ضروری در بحث قیاس نیست؛ در بحث قیاس گفته می‌شد هر

1. برای توضیح بیشتر ر.ک: مظفر، محمدرضا، پیشین، 326

2. البته ذاتی در منطق معانی دیگری نیز دارد و در اینجا مراد ذاتی باب برهان است. (ر.ک: مظفر، محمدرضا، پیشین، ص

326

3. محمدباقر ملکیان، «ذاتی» در منطق و فلسفه، معرف عقلی، شماره 10، تابستان 1387، ص 71-94.

4. عسکری سلیمانی امیری، توجیه مقدمات برهان، پیشین

ج ب است بالضروره به این معنا بود که هر چیزی که متصف به ج باشد، حال این اتصاف به هر شکلی که باشد، متصف است به ب بالضروره؛ هر چند که اتصاف آن شی به ج بالضروره نباشد؛ اما در اینجا، مراد مشروطه عامه است؛ یعنی هر چیزی که متصف به ج باشد بالضروره، ب است بالضروره.¹

7. مقدمات، کلی باشند. درباره این که مقصود از کلیت در اینجا چیست دو تفسیر

وجود دارد:

1. مقصود از کلی آن است که محمول بر هر فردی از موضوع در تمام زمانها بدون واسطه اعم یا اخص (که توضیح آن در بحث اولی بودن محمول بیان شد) حمل شود. طبق این تعریف، مقدمات برهان، باید دارای سور کلی باشند؛ لذا مقدمات دارای سور جزئی برهانی نخواهند بود.²

2. مقصود از کلی آن است که محمول بر تمام افراد موضوع در تمام زمانها بدون واسطه اعم یا اخص حمل شود؛ خواه مقدمه، قضیه ای کلیه باشد یا جزئی یا مهمله طبق این تفسیر تنها قضایای شخصی نمی توانند برهانی باشند³

گفتنی است که دو شرط شش و هفت، مختص نتایج ضروری کلیه است؛ و لذا اگر ما روا دانستیم که نتیجه برهان غیرضروری و غیرکلیه باشد، در آن صورت هیچ اشکالی نخواهد داشت که یکی از مقدمات برهان، ممکنه یا غیرکلیه باشد.⁴

1. ر.ک: محمدرضا مظفر، پیشین، ص 325.

2. خواجه نصیر الدین محمد بن محمد، طوسی، شرح الإشارات و التنبیها، پیشین، ص 297.

3. ر.ک: محمدرضا مظفر، پیشین، 325

4. ر.ک: همان، ص 325

1-4. کلیاتی راجع به راه های اثبات خدا

یکی از دغدغه های اساسی انسان و همچنین یکی از موضوعات اساسی و محوری ادیان مسأله وجود خداست. درباره اثبات پذیری و اثبات ناپذیری وجود خدا نظریات گوناگونی وجود دارد که در حد امکان به آنها اشاره می کنیم.

برخی از فیلسوفان و متکلمان و بخصوص عرفا وجود خدا را بدیهی و بی نیاز از دلیل و به تعبیری فطری می دانند. آنها معتقدند همه ی هستی جلوه ی حق است پس خدا هرگز غایب نیست تا در پی اثبات و کشف او باشیم. ماییم که در حجابیم و او را شهود نمی کنیم والا او نه تنها نورانی و موجود است، که اصل وجود و حقیقت نور است. پس غیبت و عدم برای او محال ذاتی است.

از دیدگاه آنها همه هستی اسماء و صفات حق اند و هر موجودی وجهی از وجوه خداوند است.

پس هر موجودی می تواند به اندازه ی توان وسعه ی وجودی خود، حق نما باشد و راه نشان دهد. پس راه های رسیدن به خداوند در چند طرق محدود نخواهد بود و هم از این روست که گفته اند: «الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق». امام خمینی (ره) پس از سپاس قادر منان بخاطر این که توانسته است میان اصحاب کشف و معرفت ذوقی و سخنان هماهنگی ایجاد کند می گوید: «به هوش باش که سخنان ایشان در حقیقت اختلافی باهم ندارند هر چند که گویندگان آن سخنان هر کدام راهی را پیموده است غیر آن راهی که دیگری رفته است. ایشان دلیل خود را بر این مدعا همین سخن می داند که به شماره ی خلائق که نفس می کشند راه به سوی خدا هست.¹

1. امام خمینی، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ترجمه سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی، 1360، ص 99.

این گروه برای تأیید ادعای خود به قرآن و روایات مراجعه می کنند و می گویند قرآن در

این باره در سوره ی ابراهیم آیه ی 10 می فرماید :

«قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ دُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ»

پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا- آن آفریننده آسمانها و زمین- شکی هست؟ شما را فرامی خواند تا گناهانتان را ببامرزد و تا مدتی معین شما را زنده گذارد. گفتند: شما جز مردمانی همانند ما نیستید. می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید. برای ما دلیلی روشن بیاورید.

و هم چنین در سوره روم آیه ی 30 آمده :

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیشتر مردم نمی دانند.

امام حسین (ع) در دعای عرفه می فرماید :چگونه از چیزی که در وجودش به تو نیازمند است به تو استدلال شود؟ آیا برای غیر از تو ظهوری وجود دارد که برای تو نباشد تا آشکار کننده ی تو باشد. تو کی غایب بوده ای تا دلیل و راهنما نیاز داشته باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده ای تا آثار و نشانه ها ما را به تو برسانند.¹

پس بطور کلی در یک تقسیم بندی اولیه براهین ناظر به ذات الله، به دو دسته کلی تقسیم

می شوند :

1 شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان ، دعای عرفه

1- براهینی که نشان می دهد خدا بی نیاز از استدلال و دلیل است.

2- براهینی که به اثبات ذات خدا می پردازد.

شق دوم به چند دسته تقسیم می شود:

- بعضی از براهین با استفاده از مفهوم خدا و بدون تمسک به غیر، به اثبات خدا می -

پردازد که این براهین به براهین مفهوم محور یا وجودی معروف هستند.

-دسته ی دیگر، براهینی هستند که با استفاده از ماسوای الله یا به اصطلاح دیگر مخلوقین

به اثبات خدا می پردازد که با از بین رفتن واسطه وجود خدا نیز انکار می شود و وجودش زیر

سوال می رود. این براهین به براهین مخلوق محور معروف هستند.

- و دسته ی دیگر براهینی هستند که این براهین به برهان صدیقین معروف اند.

پس براهینی که تلاش در اثبات وجود خدا دارند به سه دسته کلی تقسیم می شود :

1- براهین مفهوم محور یا وجودی

2- برهان صدیقین یا موجود محور

3- براهین مخلوق محور

به بیان دیگر قالب براهین یاد شده ی بالا به این شکل می باشد:

-قالب برهان مفهوم محور : اگر X (خدا) در ذهن موجود باشد ضرورتاً خدا در خارج هم

موجود است.

X در ذهن موجود است.

پس X در خارج هم موجود است.

-قالب برهان مخلوق محور: اگر X (مخلوق) موجود باشد خدا موجود است.

X موجود است.

پس خدا موجود است.

- قالب برهان صدیقین: اگر X (موجودی) وجود داشته باشد خدا است.

X هست

پس خدا نیز هست.¹

در این قسمت از تحقیق سعی می‌کنیم به توضیح هر یک از سه دسته بپردازیم.

1-4-1. براهین مفهوم محور یا وجودی

این دسته از براهین که به برهان وجودی معروف هستند، با تکیه بر مفهوم، وجود خدا را در خارج ثابت می‌کنند. خدا را می‌توان با اوصاف گوناگونی تعریف کرد. اوصافی از قبیل واجب بالذات، موجود نامتناهی، کامل مطلق، بزرگترین موجود و... که فلاسفه اسلامی و غربی با بکارگیری هر یک از این اوصاف، براهین مختلف وجودی اقامه کرده اند و در پی اثبات خدا تلاش نموده اند.

در میان فیلسوفان غربی، آنسلم (1106-1032م) اولین فیلسوف غربی است که اقدام به اقامه این نوع برهان کرده است و با استفاده از وصف "کاملترین شیء" در اثبات خدا قدم برداشته است.

این نوع برهان در میان فلاسفه غربی مورد توجه قرار گرفته است و فیلسوفان مختلفی از قبیل کانت به اقامه این برهان اقدام کرده اند اما در میان فلاسفه اسلامی این نوع برهان چندان مورد توجه قرار نگرفته است و حکمای معدودی از قبیل محقق اصفهانی به اقامه این نوع برهان پرداخته اند..

- معیار دقیق برهان وجودی

1. رک: عبدالرسول عبودیت، درآمدی نظام حکمت صدرایی، ج2، تهران، موسسه آموزشی امام خمینی وسمت، چاپ پنجم، 1392، ج2، ص 157 تا 166.

برهانی را برهان وجودی می گویند که با استفاده از مفهوم وجود شیء را اثبات کند. پس معیار دقیق این نوع برهان این است که با استفاده از صرف مفهوم خدا به اثبات وجود خدا بپردازد و از هیچ واقعیت دیگری مدد نگیرد.

- بخش های اصلی برهان وجودی

برهان وجودی دارای سه بخش اصلی است. قالب بخش اول به شکل زیر است:

1- گزاره استلزام: اگر x ای در ذهن موجود باشد ضرورتاً در خارج هم هست.

2- گزاره فصل: اما x در ذهن موجود است.

نتیجه: x در خارج موجود است.

که در اینجا x متغیری است که با اوصاف خدا مانند «واجب بالذات»، «کامل مطلق» یا غیر اینها جایگزین می شود.

گزاره فصل وجدانی است و بی نیاز از اثبات. چون مثبتین و منکرین این برهان، تصویری از خدا در ذهن دارند که یا آن را قبول دارند یا رد می کنند و آنچه مهم است اثبات گزاره استلزام است.

قالب بخش دوم برهان بدین صورت می باشد:

1- اگر x در ذهن موجود باشد و در خارج موجود نباشد، آنگاه x نخواهد بود. اما

بدیهی است که :

2- اینکه x ، x نباشد تناقض است و محال، پس

3- محال است x در ذهن موجود باشد اما در خارج موجود نباشد.

بنابراین

نتیجه: اگر x در ذهن موجود باشد ضرورتاً در خارج ه موجود است.

در اینجا همه ی گزاره ها بدیهی اند و فقط گزاره 3، نیاز به اثبات دارد. اثبات این گزاره

با گونه های مختلفی انجا شده است که تکثر ایجاد شده در برهان های وجودی به صورت تقریرها و قالب های مختلف به همین علت می باشد.^۱

1-4-2. براهین موجود محور یا صدیقین

در براهین مخلوق محور اگر مخلوق انکار شود، وجود برهان مخلوق محور فرض ندارد. فلاسفه این نقیصه را با برهان موجود محور (صدیقین) جبران کرده اند. این نوع برهان، برهانی است که با تمرکز بر محض وجود یا وجود بما هو وجود، به اثبات خدا اقدام می شود.

قالب این برهان به شکل زیر است:

1- اگر موجودی باشد x(خدا) وجود دارد. اما بدیهی است که

2- موجودی هست پس

نتیجه: x(خدا) وجود دارد

گزاره ی 2 بدیهی است. برای اثبات گزاره ی 1 راه های مختلفی وجود دارد که حکمای مختلفی مانند ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی راه های مختلفی را طی کرده اند و به اثبات وجود خدا پرداخته اند که بحث در مورد این براهین، در حوصله ی این تحقیق نمی باشد. محکم ترین برهان ها و ارزشمندترین آنها به سوی او، آن است که حد وسط در برهان، در حقیقت غیر او نباشد و در نتیجه راه به سوی مقصود، خود همان مقصود باشد و این روش صدیقان است، کسانی که به او استشهد می کنند نه بر او.^۲

برهان صدیقین از برهان های اثبات وجود خدا و جزو برهان های وجودی است که با

1. همان، ص 168 و 169.

2. محمد صدرالدین شیرازی، اسفار، ج 6، ص 13.

بهره‌گیری از مفهوم اصالت وجود، وجود خدا را اثبات می‌کند و به گفته علامه طباطبایی معتبرترین و قوی‌ترین برهان برای رسیدن به خداست.^۱

در فلسفه اسلامی، این تقریرها مشهور هستند به این که تنها براهین از میان برهان‌های اثبات وجود خدایند که وجود خدا را با خود خدا و بدون واسطه اثبات می‌کنند. مفسرین برخی آیات قرآن را اشاره به این برهان می‌دانند: «آیا پروردگار تو که بر هر چیز گواه است خودش بس نیست؟»^۲

ملاصدرا واضع اصلی مفهوم اصالت وجود است، و به استناد آن درباره برهان صدیقین می‌گوید:

اگر حکمای الهی وجود عالم محسوس را هم مشاهده نکرده بودند، اعتقاد آنان در مورد وجود خدا و صفات و کلیات افعال او غیر از این اعتقادی که اکنون دارند نبود.^۳

در این دسته از برهان‌ها از راه اصل هستی و اینکه اصل هستی و حقیقت آن، قابل انکار و تشکیک نیست، وجود خدا اثبات می‌شود.

ابن سینا در توضیح ویژگی این برهان می‌فرماید:

«تأمل کیف لم یحتج بیاننا لثبوت الاول...الی تأمل لغير نفس الوجود و لم یحتج الی اعتبار من خلقه و فعله نشهد به الوجود من حیث هو الوجود»^۴

ویژگی مهم برهان صدیقین در این است که ترتیب معرفتی آن با سیر واقعی وجود از

1. علامه طباطبایی، المرحله الثانية: الفصل الأول: فی إثبات الوجود الواجبی فی نهایة الحکمة ص ۲۶۸؛ محمدتقی مصباح

یزدی، آموزش فلسفه ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸. ص ۳۶۷.

2. فصلت: 53.

3. محمد صدرالدین شیرازی، شرح الهدایه الأثریه، ص ۲۸۳.

4. ابن سینا، الاشارات والتنبيهات، ج 3، ص 66.

مبدأ هماهنگی دارد. در اینجا از وجود معلول به وجود علت استدلال نمی‌شود، بلکه ذات باری بهترین دلیل بر وجود خود دانسته می‌شود. وصفی که ملاهادی سبزواری برای مطلق وجود ذکر می‌کند، در این مورد صادق است: مفهوم آن از آشکارترین چیزهاست، اما کنه آن در غایت پوشیدگی است.^۱ صدرالمتألهین تأکید می‌کند که این شیوه معرفت به وجود خدا، به طریقه «اشراقیان» و روشی که آنان در تطبیق حقیقت هستی با نور و مظاهر آن داشته‌اند، نزدیک‌تر است و با آنچه در آیات قرآن و احادیث آمده است، نیز سازگاری بیشتری دارد، از جمله این آیات که «خداوند گواهی می‌دهد که جز او معبودی نیست»^۲ و «آیا خداوند که خود بر هر چیز گواه است، کافی نیست؟»^۳. «مزیت دیگر این برهان اثبات توحید و دیگر صفات الهی در ضمن اثبات واجب است»^۴.

تقریر صدرالمتألهین از این برهان به شرح ذیل می باشد:

مقدمه ۱. واقعیت ، عدم را نمی‌پذیرد؛

مقدمه ۲. آنچه قابلیت عدم ندارد و عدم نمی‌پذیرد، واجب الوجود است؛

نتیجه: اصل هستی، واجب الوجود است.^۵

با توجه به این که اصل هستی، مسئله‌ای بدیهی است و هر کسی آنرا قبول دارد، وجود واجب الوجود بالذات که همان خدای ادیان است، نیز امری بدیهی است و نیازی به اثبات

۱. ملاهادی سبزواری، ج ۱، شرح منظومه، به کوشش مهدی محقق و ایزوتسو، تهران، ۱۳۶۰ش، ص ۴۲.

۲. آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸..

۳. فصلت/سوره ۴۱، آیه ۵۳.

۴. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶ق، ج ۶، ص ۲۴-۲۶.

۵. محمد صدرالدین شیرازی، اسفار، ج ۶، ص ۱۴-۱۵، تعلیقه ۱.

ندارد و با کوچکترین توجهی می توان به آن رسید.^۱

علامه طباطبایی صورت خاصی از این برهان اقامه می کند که به نظر وی، نیاز به هیچ مسئله فلسفی ندارد و هر کسی می تواند آنرا قبول کند.

تقریر ایشان بدین شرح می باشد:

واقعیت هستی که در ثبوت وی هیچ شک نداریم، هرگز نفی نمی پذیرد و نابودی بر نمی دارد. به عبارت دیگر:

واقعیت هستی بی هیچ قید و شرط واقعیت هستی است و با هیچ قید و شرطی لاواقعیت نمی شود و چون جهان گذران و هر جزء از اجزاء جهان نفی را می پذیرد، پس عین همان واقعیت نفی ناپذیر نیست. بلکه با آن واقعیت، واقعیت دار و بی آن از هستی بهره ای نداشته و منفی است. البته نه به این معنی که واقعیت با اشیاء یکی شود و یا در آن ها نفوذ یا حلول کند و یا پاره هایی از واقعیت جدا شده و به اشیاء بپیوندد، بلکه مانند نور که اجسام تاریک با وی روشن و بی وی تاریک می باشند. و در عین حال همین مثال نور در بیان مقصود خالی از قصور نیست.

و به عبارت دیگر: او خودش عین واقعیت است و جهان و اجزاء جهان با او واقعیت دار و بی او هیچ و پوچ می باشد.

نتیجه: جهان و اجزاء جهان در استقلال وجودی خود و واقعیت دار بودن خود تکیه به

یک واقعیتی دارند که عین واقعیت و به خودی خود واقعیت است.^۲

1. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶ق، ج ۶، ص ۱۳-۱۴.

2. علامه طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم (با پاورقی مرتضی مطهری)، جلد پنجم، صفحه ۸۹.

1-4-3. براهین مخلوق محور

این نوع براهین، برخلاف براهین وجودی که مفهوم محورند، بر واقعیت های خارجی تکیه دارند. گزاره‌ی مهم در این نوع برهان، هلیه‌ی بسیطه‌ای است که اعتراف به صدق آن به این معنا است که واقعیتی در خارج وجود دارد و بدین وسیله خدا را اثبات می‌کنند.

با این توضیح یا گزاره‌ی فصل این نوع براهین، قسم خاصی از موجود است. مانند «ممکن بالذاتی هست» یا «حادثی هست».

قالب این براهین بدین شکل می‌باشد:

1- اگر x ای موجود باشد خدا موجود است اما

2- x ای موجود است پس

نتیجه: خدا موجود است.

که در آن x ، وصف متغیری است که بسته به نوع جایگزین برهان را «جهان شناختی» یا «غایت شناختی» یا «برهان درجات کمالی» یا «برهان اجماع عام» یا «برهان اخلاقی» یا «برهان از راه تجارب خاص» یا «برهان های عرف پسند» یا «برهان از راه کرامت های انسانی» می‌نامند.¹

در این دسته از برهان‌ها، وجود مخلوقات به عنوان مقدمه اول و پیش فرض استدلال قرار می‌گیرد. یعنی مقدمه اول در این استدلال‌ها این است که از وجود مخلوق‌های خداوند که ممکن یا حادث یا دارای حرکت هستند، به وجود خدا می‌رسیم. این دسته که پیشینه بسیار زیادی دارد، از همان ابتدا در سنت کلام اسلامی و فلسفه وجود داشته و طرفداران زیادی

1. برای توضیح بیشتر رک: تاریخ فلسفه ملکیان، ج 2، ص 149-170 و اثبات وجود خدا به روش اصل موضوعی، ص 55-66

دارد.

تمامی این استدلال‌ها، وابسته به این است که قبل از شروع استدلال، اصل علیت اثبات شود و نیز باطل بودن دور و تسلسل در میان موجودهایی که رابطه آنها با یکدیگر به صورت علت و معلول است، اثبات شود. به این منظور، برای فهم بهتر این برهان‌ها، توضیح مختصری از این سه داده می‌شود.

1. اصل علیت: بر اساس این اصل، هر پدیده‌ای که بوجود می‌آید، نیاز به موجودی دارد که آنرا بوجود بیاورد. در این رابطه، موجود اول را معلول و موجود دوم که باعث بوجود آمدن موجود دیگری می‌شود را علت، و رابطه میان این دو را علیت می‌نامند.^۱

2. دور در سلسله علتها: تصویر این حالت به این صورت است که مثلاً بوجود آمدن موجود الف، متوقف است بر بودن موجود ب. حال اگر بوجود آمدن این موجود ب، خودش متوقف باشد بر اینکه اول موجود الف بوجود بیاید و همان باعث بوجود آمدن موجود ب بشود، در این صورت، دور اتفاق افتاده است. البته این حالت تنها یک تصویر ذهنی است و در عالم خارج نمی‌تواند محقق شود.^۲

3. تسلسل در سلسله علتها: این حالت در صورتی روی می‌دهد که در یک زنجیره موجودهایی که با هم رابطه علت و معلول دارند، هر یک از موجودها را در نظر بگیریم خودش معلول یک علتی باشد که قبل از آن موجود بوده است و این رابطه تا بی‌نهایت نیز به همین صورت است. یعنی هرچه به سمت عقب برویم و هر موجودی را در نظر بگیریم، خودش معلول موجود قبل از خود و علت موجود بعد از خود است. در عالم خارج این حالت

1. سید شریف علی بن محمد جرجانی، کتاب التعریفات، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۰ه ش، چاپ چهارم، ص ۶۶.

2. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶ق؛ ج ۱، ص ۲۱.

نمی تواند وجود داشته باشد و بالاخره در میان این موجودها، باید به موجودی برسیم که خودش دیگر معلول نباشد.^۱

2. حد وسط

در هر قیاس یک حد وسط وجود دارد که مبنا و اساس قیاس است و مقدمات قیاس را به یکدیگر مرتبط می سازد و نهایتاً در نتیجه حذف می شود. (به عبارت دیگر میان اصغر و اکبر ارتباط برقرار کرده و در نتیجه حذف می گردد.

منطق دانان چگونگی قرار گرفتن حد وسط در دو مقدمه قیاس اقترانی را اصطلاحاً شکل، سیاق یا نظم نامیده اند.^۲

به هریک از اجزاء منطقی دو مقدمه قیاس، یعنی موضوع و محمول آن دو قضیه، حد می گویند. مقصود از شکل یا هیأت قیاس طرز قرار گرفتن این اجزاء در دو مقدمه است. هر قیاس شامل سه گونه حد است: حد اصغر، حد اکبر، حد وسط یا اوسط. حد اصغر جزئی از مقدمه است که در قضیه ای که به عنوان نتیجه قیاس حاصل می آید، موضوع را تشکیل می دهد و آن را رأس صغیر، طرف اخیر یا اصغر، حد کهن نیز نامیده اند. مقدمه ای را که مشتمل بر این حد است، صغری می خوانند.^۳

حد اکبر نیز جزئی است که بر محمول نتیجه انطباق دارد و آن را نامهای دیگری چون

1. محمد خالد غفاری، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ه ش، چاپ اول؛ ج ۱، ص ۱۱۰.

2. محمود قطب الدین شیرازی، دره التاج، به کوشش محمد مشکوه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۱۲۴.

3. ارسطو، منطق، ج ۱، به کوشش عبدالرحمان بدوی، کویت/ بیروت، ۱۹۸۰ م، ص ۱۴۹.

رأس کبیر، طرف اول یا طرف اعظم، حد مهین، طرف اکبر نیز هست^۱ مقدمه‌ای که حد اکبر در آن قرار دارد، کبری نامیده می‌شود. در صورت‌بندی قیاس روش منطق دانان مسلمان این است که ابتدا صغری، و سپس کبری را بیاورند، اما در آثار ارسطو و منطق دانان قرون وسطی عکس این ترتیب مرسوم بوده است. فارابی در القیاس ابتدا به صورت اخیر، و سپس به گونه اول مثال می‌آورد اما از ابن سینا به بعد در بین منطق دانان اسلام همان شیوه نخست رواج یافته است.^۲

جزء مشترک و مکرر در دو مقدمه حد وسط، حد اوسط، سبب، حد میانگین جامع یا قاطع^۳ نامیده می‌شود. این حد واسطه سریان حکم اکبر به اصغر و حصول نتیجه به شمار می‌رود و در مبحث قیاس و در اشکال اربعه دارای اهمیتی خاص است، به گونه‌ای که ارسطو قیاس اقترانی را قیاس مبتنی بر حد وسط می‌نامد.

در هر قیاس اقترانی حمله برای نحوه قرار گرفتن حد وسط در دو مقدمه، تنها ۴ حالت می‌توان تصور نمود: ۱. محمول در صغری و موضوع در کبری، ۲. محمول در هر دو، ۳. موضوع در هر دو، ۴. موضوع در صغری و محمول در کبری. منطق دانان بر همین اساس برای قیاس ۴ شکل تصویر نموده‌اند و حالت‌های یاد شده را به ترتیب، اشکال اول، دوم، سوم و چهارم نامیده‌اند. در آثار منطقی، فایده و اعتبار هریک از این اشکال، و نیز موارد نتیجه بخش در هر شکل مورد بحث قرار گرفته است.

به گفته ابن سینا دستیابی به حد وسط اساس اکتساب امور معقول است و تا حد وسط

1. حسن ملکشاهی، ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، ج ۱، تهران، ۱۳۶۷ش، ص ۴۶۵.

2. نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ج ۱، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۵ش، ص ۱۹۷.

3. ابن سینا، دانشنامه علائی، ج ۱، به کوشش احمد خراسانی، تهران، ۱۳۶۰ق، ص ۲۹.

قیاس در ذهن حاصل نشود، نمی توان امر معقولی را تعقل کرد. این حد وسط از دو طریق برای ذهن حاصل می شود: به وسیله حدس، یا از طریق تعلیم.¹

3. بررسی انتقادی

بررسی انتقادی (که از آن با عنوان سنجشگرانه اندیشی نیز یاد می شود) اندیشیدن سنجشگرانه بر مضمون حرفه‌هایی است که می شنویم و می خوانیم و بررسی دقیق استدلال‌هایی است که آن حرفها به کمک آنها خود را استوار جلوه می دهند. انتقاد به معنای سنجیدن است نه ایراد گرفتن. زیر عنوان انتقاد نباید غرغرکردن و بهانه گرفتن و عیب‌جویی به دلیل بدخویی را فهمید. دو گونه اندیشه انتقادی قابل تصور است: یکی خود خواهانه یا سفسطه‌ای که فرد سعی می کند با استفاده از قدرت تحلیل خود به منافع شخصی برسد و دیگری درست بینی یا بی طرفی که در آن فرد سعی می کند تمام جوانب امر را به صورت یکسان و بدون ارجحیت دادن به دلایل احساسی و منفعت طلبانه ببیند.

ارزش دیگری که در اینجا لازم است از آن یاد کنیم استدلال متین و استوار است. اندیشه انتقادی استدلال سست را نمی پذیرد. استدلال باید پایه‌های محکمی داشته باشد یعنی از مقدماتی درست حرکت کند و آنها را به صورتی منطقی با یکدیگر ترکیب کرده و به نتیجه برساند. اندیشه انتقادی تفکر منطقی است. منطق شیوه و اصول سنجیده² تعریف و استدلال است.

اندیشه³ انتقادی بر پایه⁴ مفاهیم و قانون‌هاست، نه بر پایه⁵ فراروند پله پله یا شل و

1. ابن سینا، النجاة من الغرق فی بحر الضلالت، 1379ش، ص 340؛

محکم. ممکن است طرز اندیشیدن شخصی ناواضح، غیر دقیق، نامربوط، غیرمنطقی و سطحی باشد. راه‌های مختلفی هست که ممکن است تفکر شخص مشکل‌دار باشد.

به تازگی برخی آزمایش‌هایی که هنوز در مراحل ابتدایی هستند؛ نشان داده که برخی زمان‌ها شخص تصمیمات پیچیده‌ای را پیش از آگاهی از تمام فاکتورها و داده‌ها می‌گیرد. از آنجاییکه چنین روشی اندیشیدن انتقادی نیست (چون برای اندیشه انتقادی نیاز به بازتاب دقیق هست) پس استفاده از مهارت‌های اندیشه انتقادی نیاز به تلاش بیشتر بر خلاف طبیعت انسان - که تصمیم‌گیری بدون دانستن همه داده‌هاست دارد.

4. زندگی نامه محقق غروی اصفهانی

محمدحسین غروی اصفهانی در روز دوم محرم سال ۱۲۹۶ هجری قمری در کاظمین به دنیا آمد. او که فرزند محمدحسن یکی از بازرگانان متدین و ثروتمند بود از این موقعیت در راه تحصیل علم و علوم استفاده نمود. محمدحسین در دهه دوم زندگی به حوزه نجف رفت و مشغول تعلیم در نزد اساتید حوزه آن روز شد. تحصیلات مقدماتی را در محضر شیخ محمد حسن تویسرکانی شروع نمود و تا سن بیست سالگی آنرا کامل کرد.

از دیگر اساتید برجسته ایشان می توان از بزرگان زیر نام برد: آیت الله سید محمد طباطبایی فشارکی و آقا رضا همدانی و آیت الله محمدکاظم خراسانی و حکیم محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و شیخ احمد شیرازی.^۱

از شاگردان محمد حسین کمپانی اصفهانی علماء زیر را می توان نام برد: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبایی بروجردی و سید هادی میلانی و سید ابوالقاسم خویی و شیخ ابوالفضل خوانساری و علامه سید محمد حسین طباطبایی و شیخ سلمان خاقانی و محمدتقی بهجت فومنی و حاج شیخ علی محمد بروجردی و شیخ محمدرضا مظفر.^۲

مهمترین امتیازی که در آثار ایشان دیده می شود استدلالی و ابتکاری بودن آنهاست که حکایت از ژرف نگری و دقت نظر او می کند. بخشی از آثار ماندگار او به این شرح می باشد:

1- الاجتهاد و التقليد و العدالة

2- الاصول علی النهج الحدیث

3- الطلب و الارادة عند الامامیة و المعتزلة و الاشاعرة، این سه کتاب در یک مجلد بزرگ با نام

1. الفشارکیه، چاپ جامعه مدرسین قم، ص ۵ - ۱۱، علماء معاصرین، ص ۷۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۱۵

2. گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۲۳۶؛ عرفان اسلامی، شیخ حسین انصاریان، ج ۵، ص ۱۶۶.

- «بحوث فی الاصول» چاپ شده است.
- 4-چندین رساله در مباحث مختلف اصولی
 - 5-حاشیه بر رساله قطع شیخ انصاری
 - 6-نهایه الدرايه فی شرح الکفایه، در چهار جلد
 - 7-کتاب الاجاره
 - 8-صلاة الجماعة
 - 9-صلاة المسافر
 - 10-حاشیه کتاب المکاسب
 - 11-حاشیه بر کتاب الطهاره شیخ اعظم انصاری
 - 12-چندین رساله فقهی
 - 13-الانوار القدسیه(اشعاری پر محتوا درباره اهل بیت پیامبر اسلام)
 - 14-سه منظومه درباره اعتکاف، روزه و نماز جماعت
 - 15-دیوان مفتقر(چندین مرتبه با نام دیوان کمپانی چاپ شده ولی ایشان راضی نبودند که به وی کمپانی گفته شود)
 - 16-الوسیله توضیح المسائل به زبان عربی
 - 17-ذخیره العباد توضیح المسائل فارسی
 - 18-تحفه الحکیم
 - 19-حاشیه بر اسفار ملاصدرا
 - 20-مکاتبات فلسفی و عرفانی، مجموعه‌ای است از ۱۴ نامه در شرح و تحلیل دو بیت شعر از عطار نیشابوری

21- تفسیر قرآن این تفسیر که گویا نیمه تمام مانده تاکنون چاپ نشده است.¹

محمدحسین غروی اصفهانی در پنجم ذیحجه سال ۱۳۶۱ هجری قمری برابر ۲۳ آذر

۱۳۲۱ شمسی در نجف درگذشت و در حرم امیرالمؤمنین در اتاقی که جنب گلدسته قرار دارد

به خاک سپرده شد. مصطفی خمینی نیز در کنار او دفن شده است

1. در مورد آثار علامه غروی مراجعه شود به: حاشیه علامه غروی بر مکاسب، مقدمه، به قلم علامه مظفر؛ بحوث فی

الاصول، غروی اصفهانی، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق